

و بقیه را بردارید. خب الان می‌دانیم که غیر از حمل سلاح می‌تواند رفتارهای خشونت‌بار دیگری هم در یک اعتراض اتفاق بیفتد؛ مثلاً آتش زدن مشمول قید عدم حمل سلاح نیست. می‌توانند در حین اعتراض آتش بزنند و اموال عمومی را تخریب کنند؛ پس باید این قانون اضافه شود. قابل درک است که یک قیدهایی باید اضافه شود؛ مثل اضرار به غیر یا به اموال عمومی.

در اینجا این مطلب را به ضوابط اضافه می‌کنم که اساساً اعتراض نباید با ارتکاب جرم همراه باشد. منتها مشکل این است که موارد عناوین مجرمانه زیادند. دو دسته عناوین مجرمانه مهم داریم: جرایم علیه اشخاص و جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی. در حال حاضر حاکمیت بیشتر برای دسته دوم اعتراض را محدود می‌کند. جرایم علیه امنیت، جرایمی است که در نظام قانونی ما مبهم تعریف شده است و در واقع تعریف نشده است و این، دو ایراد مهم دارد: یکی اینکه مفاهیمی که برای تعریف این جرایم به کار رفته، مفاهیم توسعه‌پذیر و تفسیربرداری تعبیر شده است. بیشتر نظام‌های سیاسی الان این کار را می‌کنند. مزاحمت عمومی، بی‌عفتی عمومی و خیانت در کشورهای دیگر هم هست. در انگلیس خیانت جرم است و تعریف روشنی هم ندارد و در رویه قضایی تعریف می‌شود. در کشور ما هم همین طور است. اگر قرار باشد با عناوین مجرمانه کیفیت اعتراض را محدود کنیم، دوباره همین اتفاقات می‌افتد. پیشنهاد من این است که در این ضابطه حقوقی، مهم‌ترین قیود بر کیفیت اعتراض باید جرایم علیه اشخاص باشد. جرایمی که جنبه حق الناس دارد نه جرایمی که علیه امنیت و آسایش عمومی است. باید این قیود را تعدیل کرد. اگر این قیود بخواهد همین طوری زنده بماند دوباره همین وضع و ماجرا می‌شود. قیدی مثل فعالیت تبلیغی علیه نظام و همکاری با دولت‌ها و گروه‌های متخاصم از مواردی است که هر کسی و هر رفتاری را می‌توان ذیل آن قرار داد. هر رفتاری را می‌توان ذیل فعالیت و تبلیغ علیه نظام تعریف کرد. حتی همین که من اینجا نشستم و صحبت می‌کنم می‌تواند فعالیت تبلیغی علیه نظام شود. البته بعضی معتقدند که چون واژه «فعالیت» در متن قانون آمده لذا باید «مکرر» باشد؛ اما رویه هم متأسفانه این را نپذیرفته است. پس بازنگری در وضع قیود در کیفیت اعتراض جایز است. الان قیودی که قرار داده می‌شود ذیل عناوین مجرمانه است. ما باید با عناوین مجرمانه، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی و آن چیزی که در نظام به این عنوان شناخته می‌شود خدا حافظی کنیم و در نهایت آن را به جرایم علیه اشخاص محدود کنیم.

قید تعیین مکان و زمان هم بوده است.

علی صابری تولایی: بله، هیئت وزیران دولت قبل تصویب کرد و دیوان هم رد کرد. خیلی ایراد بزرگی دارد. ایرادش محدودیت زمانی مکانی است. اعتراض را از جوهره اش خالی می‌کرد. اعتراض اساساً یک رفتار خارق العاده است. اعتراض قوتش را از خارق العاده بودنش می‌گیرد؛ از اینکه توجهات را به خودش جلب می‌کند. برای اینکه این اتفاق بیفتد باید در مکان و زمان اجازه خلاقیت به آن داده شود، با رعایت آن چیزی که عرض کردم؛ اضرار به غیر و مزاحمت نباشد. وقتی قرار باشد همه اعتراضات به میدان آزادی بروند، بعد از مدتی اعتراض یک رفتار نرمال و طبیعی می‌شود و خارق عادت نیست و دوباره انار را پنجاه تومان فروخته‌ایم و معترض راضی نمی‌شود بخرد. او می‌خواهد جایی اعتراض کند که به چشم بیاید، جایی اعتراض کند که توجهات را جلب کند. جوهره اعتراض باید باقی بماند که معترض را به هدفش برساند.

پنجمین و آخرین مسئله، مردمی تر شدن مرجع رسیدگی به حق اعتراض است. این مرجع خیلی مهم